

تغییر در روایت از جنگ: زمینه‌ها و عوامل مؤثر

محمد درودیان

۱- سقوط صدام

صدام نماد تجاوز به ایران است. با سقوط صدام و سپس حاکمیت شیعیان در عراق، نوعی آرامش روحی و روانی نسبت به جنگ در مردم به وجود آمد. احساس رضایت و تمایل به حذف صدام در جامعه ایران به منزله ضرورت مجازات متجاوز بود. این موضوع همراه با حاکمیت شیعیان در عراق و دفع تهدید عراق نسبت به ایران، تا اندازه‌ای پیامدهای اولیه حضور امریکا در عراق را تحت تأثیر قرار داد.

تحولات حاصل از سقوط صدام مناسبات سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران و عراق را تغییر داد و نگرش جدید به جنگ از آن سوی خاکریزها شکل گرفت همچنین زمینه انتشار اسناد و مدارک عملیاتی با چاپ و انتشار آن فراهم شد. در گذشته دشمن به عنوان یک کلیت واحد تصور می‌شد که در آن سوی خاکریزها با حمایت بین‌المللی مشغول تجاوز و اشغال است، ولی با سقوط صدام نگاه جدیدی به عراق و آن سوی خاکریزها از طریق گفت‌وگو با ژنرال‌های عراقی در حال شکل‌گیری است، همچنین چاپ اسناد جدید درباره تصمیم‌گیری و طراحی عملیات‌ها و گشودن بخشی از جعبه سیاه جنگ* در مجموع موجب پیدایش دیدگاه‌های جدید در میان صاحب‌نظران و محققین و همچنین منتقدین خواهد شد.

۲- گسترش مناقشات سیاسی و نقد جنگ ایران

و عراق

حادثه سیاسی - اجتماعی دوم خرداد ۱۳۷۶ زمینه‌های نقد شالوده‌شکنانه را در تمام حوزه‌ها از جمله جنگ ایران و عراق

وقایع و رخدادهای بزرگ همانند جنگ و انقلاب همیشه در معرض بحث و گفت‌وگو و روایت‌های متفاوت در زمان‌های مختلف قرار دارند. به کارگیری شیوه و زبان جدید در روایت وقایع بزرگ با توجه به ابعاد و موضوعات جدید، بیانگر تغییر در محتوی و مضمون روایت‌ها و ظهور روایت‌های جدید می‌باشد.

نظر به اینکه میان ادراکات و روایت‌ها نسبت وجود دارد، در واقع تغییر در روایت‌ها، نشانه تغییر در ادراکات است. با این توضیح و با فرض اینکه ادراک اولیه در زمان وقوع حادثه تدریجاً دستخوش تغییر و تکامل می‌شود، پرسش این است که ادراک از یک موضوع و تغییر آن بر اثر چه عواملی شکل می‌گیرد و چگونه جریان پیدا می‌کند؟

این پرسش ناظر بر سازکارها و فرایند شکل‌گیری فهم و تغییر آن بر اثر عوامل بیرونی و منطقی درونی می‌باشد. پاسخ به این پرسش بدون رمزگشایی از مسئله فهم و سازکارهای شکل‌گیری ادراکات و تغییر آن که در نظریه پدیدارشناسی مورد توجه قرار گرفته بسیار دشوار است. فارغ از هر توضیحی در این زمینه، مسئله مهم این است که فهم زمانمند و تاریخی است و با تغییر شرایط، فهم از مسائل و در نتیجه روایت‌ها، تغییر می‌کند.

با اتمام جنگ ایران و عراق چند حادثه بزرگ روی داده است که حوزه مطالعات جنگ ایران و عراق و در نتیجه ادراک از جنگ و روایت از آن را تدریجاً دستخوش تغییر کرده است و آثار و نتایج آن در آینده بیشتر آشکار خواهد شد:

فراهم کرده و گسترش داد. در این روند، گفتمان انتقادی از اپوزیسیون و جریان‌های سیاسی به جامعه و نسل جدید منتقل و تا اندازه‌ای نهادینه شده است. در واقع پرسش‌های اپوزیسیون و جریان‌های سیاسی به پرسش‌های جامعه و نسل جدید تبدیل شده است. این تحول به معنای شکل‌گیری و نهادینه شدن رویکرد انتقادی به جنگ در نزد نسل جوان است.

در این روند مناقشه درباره ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و پایان جنگ، در میان مسئولین سیاسی و نظامی جنگ منجر به انتشار نامه تاریخی امام درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شد. مسئله مهم در این روند علاوه بر انتشار یک سند تاریخی در فرایند مناقشات سیاسی و نه ضرورت‌های تاریخی و تحقیقاتی، گسترش گفتمان انتقادی در میان مسئولین و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و نظامی جنگ بود. پیدایش این وضعیت ادراک اولیه از جنگ و صف‌بندی میان دیدگاه‌های مسئولین سیاسی و نظامی جنگ با اپوزیسیون را بر هم زد.

۳- بازدید مردم از مناطق جنگی

تلاقی عید نوروز با محرم و تشیع پیکر مطهر شهدا تدریجاً زمینه بازدید مردم از مناطق جنگی را فراهم کرد. پیش از این هرگونه اقدامی به صورت محدود و خاص صورت می‌گرفت ولی این وضعیت در واقع یک پدیده جدید بود. در واکنش به این پدیده، جریان‌های سیاسی به معنای حضور افراد مطلع برای توضیح رخدادهای نظامی در مناطق جنگی، شکل گرفت. وسعت و حجم بازدیدکنندگان مسوجب گسترش جریان‌های سیاسی از طریق آموزش و سازماندهی در نهادهای مختلف

ارتش، سپاه و بسیج شد.

ترکیب جدید راویان شامل رزمندگان و نسل جدید، به دلیل فهم و تجربه متفاوت از جنگ، موجب روایت‌هایی متفاوت شده است. ضمن اینکه روایت‌گری از سوی نسل جدید در حال غلبه بر روایت‌گری نسل رزمنده است. نظر به اینکه راویان نسل جدید فاقد تجربه حضور در جبهه‌ها هستند و بیشتر از طریق شنیداری و تا اندازه‌ای مطالعه با مسائل جنگ آشنا شده‌اند و جنگ را به صورت شفاهی و نه مکتوب روایت می‌کنند در نتیجه فاقد دقت لازم در بیان مسائل هستند. همچنین فضای معنوی مناطق عملیاتی و آمادگی روحی و روانی بازدیدکنندگان موجب بکارگیری روش‌های احساسی و معنوی در بیان جنگ می‌شود. در مجموع فرایند جدید موجب ادراک جدیدی از جنگ در نسل جدید و بازدیدکنندگان مناطق جنگی می‌شود که با گذشته متفاوت است.

در گذشته واقعه جنگ موجب تولید معنا و ادراکات جدید می‌شد ولی در مرحله جدید اسناد و گزارشات، سخنرانی و گفتارها و تجربه دیدار از مناطق جنگی، موجب ادراک و فهم از جنگ می‌شود. در نتیجه منجر به تولید گفتمان جدید از جنگ و روایت‌های جدید خواهد شد.

ادراکات جدید از جنگ بدون تردید ادراکات پیشین را دستخوش تغییر خواهد کرد، اما تا چه اندازه این ادراکات و روایت‌های جدید از جنگ در مسیر تکامل قرار دارد و با واقعیات و حقایق جنگ منطبق خواهد بود، نیاز به توجه و بررسی دارد.